

بازار شناسی: پاکستان

میترا رحمانی و محمد رضا عابدین
(فوق لیسانس اقتصاد، «موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی»)

مسلمان هستند. (۷۷ درصد سنی و بقیه شیعه) مسیحیان، هندوها و سایرین ۳ درصد بقیه جمعیت را شامل می‌شوند.
زبانهای پنجابی (۴۸ درصد)، سندی (۱۲ درصد)، پشتو، اردو و چندین زبان محلی دیگر از جمله زبان‌های رایج پاکستان است، اما زبان انگلیسی زبان رسمی و مورد استفاده وزارتخانه‌های دولتی این کشور است.
میزان باسوادی در پاکستان ۴۵/۷ درصد است، این میزان برای زبان ۳۰/۶ درصد می‌باشد.

۲- ساختار اقتصادی ۱-۲- روند توسعه

کشور توسعه نیافته پاکستان با درآمد سرانه ۲۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ میلادی، اگرچه جز کشورهای کم درآمد جهان محسوب می‌شود، اما مردم آن در مقایسه با کشورهای جنوب آسیا، از جمله ثروتمندترین‌ها هستند. مشکلات سیاسی داخلی، سطح اندک سرمایه‌گذاری خارجی، مشکلات مرزی با همسایه شرقی (هند)، مسائلی است که این کشور توسعه نیافته از آن‌ها رنج می‌برد. اما تلاش‌های دولت‌های حاکم بر پاکستان طی ۵۷ سال گذشته، پیشرفت‌های محسوسی را از زمان استقلال آن سبب شده است.
خدمات بهداشتی و امکانات تحصیلی توسعه یافته است و امید به زندگی از ۵۹ سال در ۱۹۹۰م به ۶۳ سال در ۲۰۰۱م رشد نموده است، از میزان مرگ و میر کودکان کاسته شده و بر میزان سواد کل جمعیت افزوده شده است.

برنامه اصلاحات اقتصادی پاکستان که از اواخر سال ۱۹۹۹ آغاز شده، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. به عبارت دیگر، در این کشور چرخش مناسبی از افول اقتصادی به بهبود اقتصادی صورت گرفته است. تولید ناخالص داخلی در دوره ۲۰۰۲-۳ با میزان ۵/۱ درصد رشد نموده در حالی که میزان تورم در حد ۳/۳ درصد باقی مانده است. در سال ۲۰۰۲-۳م درآمد دولت ۱۲/۶ میلیارد دلار و مخارج آن ۱۴/۸ میلیارد دلار بوده که این مقدار کسر بودجه (۲/۲ میلیارد دلار) معادل ۰/۷۴ درصد کل تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است.

اما هنوز سطح سواد مردم این کشور بسیار پایین و در حد ۴۶ درصد کل جمعیت است و در مقایسه با میزان باسوادی ۶۴ درصد در کشورهای با سطح

این متن، ضمن ارائه تصویری از ساختار اقتصادی پاکستان و تحولات آن در سال‌های گذشته بر مبنای شاخص‌های مختلف اقتصادی - بازرگانی، میزان تجارت بالفعل و بالقوه میان ایران و پاکستان را با استفاده از داده‌های موجود برآورد می‌کند.

۱- مقدمه

جمهوری اسلامی پاکستان حاصل تجزیه شبه قاره هند در سال ۱۹۴۷ می‌باشد. در آن زمان هندوستان به دو کشور هند فعلی و دولت اسلامی پاکستان تقسیم شد که بخش پاکستان شامل دو قسمت شرقی و غربی بود. ناخشنودی هندوستان از این تجزیه موجب شده تا از آن زمان تا کنون جنگ‌های کوچک و بزرگ زیادی بین این دو کشور درگیرد، به طوری که جنگ سوم بین آن‌ها در سال ۱۹۷۱ موجب شد تا پاکستان شرقی از پاکستان غربی (کشور فعلی پاکستان) جدا شده و کشور بنگلادش به وجود آید. البته این اتفاق موجب نشد تا روابط خصومت‌آمیز دو جانبه رو به بهبود گذارد، بلکه مساله کشمیر هنوز دلیلی برای بروز کشمکش می‌باشد. حتی این دشمنی‌ها منجر به دستیابی دو طرف به سلاح‌های هسته‌ای شده و پاکستان در پاسخ به آزمایش تسلیحات هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸ مبادرت به انجام آزمایش هسته‌ای نمود.

این کشور با ۸۰۴ هزار کیلومتر مربع مساحت تقریباً نصف مساحت ایران را دارا است، اما با ۱۵۰/۷ میلیون نفر جمعیت، جمعیتی بیش از ۲ برابر ایران را در خود جای داده بنابراین تراکم نسبی جمعیت این کشور بیش از ۴ برابر تراکم نسبی جمعیت ایران است.

به جز نواحی سرد سیر شمالی و معتدل شمال غربی، اغلب مناطق سرزمین پاکستان دارای آب و هوای نسبتاً گرم و خشک بیابانی است. به لحاظ ارتفاع نیز عمده مناطق این سرزمین مسطح است و مناطق کوهستانی عمدتاً در شمال و شمال غربی این کشور متمرکز می‌باشند، بلوچستان در غرب نیز از جمله مناطق مرتفع پاکستان محسوب می‌شود.

نظام حکومتی این کشور جمهوری فدرال می‌باشد قوانین این کشور ترکیبی است از قوانین رایج در انگلستان و قوانین موضوعه اسلام که روح حاکم بر قوانین و مقررات این کشور را تشکیل می‌دهد.

دین غالب در این کشور اسلام است و ۹۷ درصد جمعیت پاکستان

درآمد سرانه مشابه، بسیار پایین به نظر می‌رسد. از سوی دیگر هنوز ۳۳ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

۲-۲- بخش‌های اقتصادی

کشور پاکستان دارای اقتصادی متکی بر بخش کشاورزی است. حتی صنایع موجود در این کشور در کنار این بخش رشد نموده و عمدتاً در برگیرنده انواع صنایع با فن‌آوری دست‌پایین تبدیل محصولات کشاورزی است.

از مساحت ۸۰۴ هزار کیلومتر مربعی این کشور قریب به ۲۸ درصد آن قابل کشت و کار بوده و ۰/۸ درصد نیز به تولید محصولات باغی اختصاص دارد. ۴۴ درصد از جمعیت ۴۰ میلیون نفری نیروی کار پاکستان در این بخش شاغل‌اند. کتان، گندم، برنج، نیشکر و سبزیجات اصلی‌ترین محصولات زراعی این کشورند. پاکستان در زیر بخش دامی محصولات چون شیر، گوشت گاو، گوسفند و تخم مرغ تولید می‌نماید.

عمده صنایع این کشور که در زیر بخش صنایع تبدیلی کشاورزی قرار می‌گیرند، صنایع نساجی، فرآوری مواد غذایی، نوشیدنی، صنایع کاغذی و فرآوری میگو می‌باشند. در ضمن تولید مواد ساختمانی و کود شیمیایی نیز از دیگر فرآورده‌های صنعتی این کشور است که با توجه به مواد معدنی و گاز طبیعی موجود در این کشور شکل گرفته‌اند.

بخش صنعت ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی را (در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲) م به خود اختصاص داده است و در مجموع ۱۷ درصد از کل نیروی کار این کشور را در خود جای داده است. ذخایر گاز طبیعی و نیز ذخایر محدود نفت خام، میزان اندک زغال سنگ، سنگ آهن، مس، نمک و معادن کلسیم از معادن طبیعی کشور پاکستان محسوب می‌شوند که پشتوانه برای شکل‌گیری برخی صنایع مرتبط نیز شده‌اند.

بخش خدمات ۵۱ درصد از تولید ناخالص داخلی پاکستان در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ را تشکیل داده است. این بخش بزرگترین بخش اقتصادی این کشور است که به سبب اشتغال صرفاً ۳۹ درصد از نیروی کار را در بر می‌گیرد، که پس از صنعت در رده دوم بهره‌وری نیروی کار قرار دارد.

بخش دولتی در این کشور چندان گسترده نبوده و بودجه ۱۲/۶ میلیارد دلاری آن از حیث درآمد معادل پنج درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال مالی ۲۰۰۲-۳ م بوده است. البته با عنایت به هزینه ۱۴/۸ میلیارد این بخش ۲/۲ میلیارد دلار کسری مواجه است.

میزان تورم این کشور در حد یک رقمی بوده و در سال ۲۰۰۲ م به ۳/۹ درصد محدود شده است.

۳- تجارت خارجی

کشور پاکستان از لحاظ برقراری روابط تجاری، کشور بسته و محدود محسوب می‌شود. این کشور با در اختیار داشتن ۲/۵ درصد از جمعیت دنیا، قریب به ۰/۱۵ درصد حجم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. براساس آمارهای سازمان تجارت جهانی، کل صادرات پاکستان به جهان در سال ۲۰۰۱ معادل ۹/۲ میلیارد دلار بوده که با عنایت به واردات ۱۰/۶ میلیارد دلاری این کشور در این سال کسری تراز تجاری معادل ۱/۴ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. این میزان کسری رقمی معادل ۷ درصد حجم کل تجارت پاکستان در این سال را به نمایش می‌گذارد.

۱-۳- شرکای عمده تجاری

بخش عمده‌ای از صادرات این کشور به ممالک توسعه یافته آمریکایی و اروپایی صورت می‌پذیرد. آمریکا در صدر بازارهای هدف محصولات این کشور قرار دارد. ۲۴/۵ درصد از کل صادرات پاکستان به آمریکا اختصاص دارد. امارات متحده عربی با ۸/۵ درصد، انگلستان با ۷/۲ درصد، آلمان با ۴/۹ درصد و هنگ کنگ با ۴/۸ درصد اصلی‌ترین بازارهای هدف محصولات صادراتی این کشور در سال ۲۰۰۲ م بوده‌اند.

اما ترکیب مبادی وارداتی کالاهای مورد نیاز پاکستان بیشتر به سمت کشورهای آسیایی گرایش دارد. دو کشور امارات متحده عربی و عربستان سعودی با تامین قریب به یک چهارم نیازهای وارداتی پاکستان، در صدر جدول مبادی وارداتی این کشور در سال ۲۰۰۲ م قرار گرفته‌اند.

کشور کویت ۶/۷ درصد از واردات پاکستان را تامین نموده و این ارقام برای سایر کشورهای واقع در صدر جدول تامین کنندگان خارجی کالا شامل ایالات متحده، چین، ژاپن، مالزی و آلمان به ترتیب معادل ۶/۴، ۶/۲، ۴/۵، ۴/۴ درصد است.

ایران و پاکستان ارتباط تجاری چندان گسترده‌ای با یکدیگر ندارند.

به طوری که تجارت بالفعل سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بین دو کشور در حد ۲۴ میلیون دلار خلاصه می‌شده است. در حالی که بررسی‌های مرکز تجارت جهانی که به کمک روش Trade Sim صورت گرفته، ظرفیت بالقوه تجارت دو جانبه (ایران و پاکستان) تا میزان ۸۶ میلیون دلار در سال تخمین زده است.

در ارتباط با محصولات مورد مبادله می‌توان اینگونه استنباط نمود که ایران در سال ۲۰۰۱ اصلی‌ترین بازار هدف برنج صادرات پاکستان بوده و در مقابل این کشور عمده سبزیجات خشک شده مورد نیاز خود را از ایران تامین نموده است.

۲-۳- کالاهای عمده تجاری

اصلی‌ترین کالاهای صادراتی که پاکستان در خصوص آن‌ها از مزیت نسبی بالایی برخوردار است، فرآورده‌های صنایع نساجی، پوشاک، چرم و غذای تازه هستند. به طوری که این کشور از نظر بر خورداری از مزیت نسبی در صادرات منسوجات در رتبه اول جهان قرار دارد. در حالی که این کشور در صدور تجهیزات حمل و نقل، مواد شیمیایی و صنایع کارخانه‌ای پایه در پایین‌ترین رتبه‌های جهانی واقع شده است.

دریک تقسیم بندی کالایی، منسوجات (شامل پوشاک کتان و غیر کتان و نخ)، برنج، چرم، کالاهای ورزشی و فرش و قالی بیشترین درآمدهای صادراتی کشور پاکستان را تامین می‌نمایند.

در طرف مقابل، نفت خام و فرآورده‌های نفتی، ماشین‌آلات، مواد شیمیایی، تجهیزات حمل و نقل، روغن خوراکی، آهن، فولاد و چای در رتبه بندی کالاهای وارداتی این کشور، از جمله محصولات اصلی محسوب می‌شوند که صادرکنندگان کشور می‌توانند از این فهرست مقدماتی به منظور اقدام در راستای استفاده از ظرفیت‌های بلا استفاده برای توسعه تجارت با کشورهای همسایه بهره‌گیرند.

۳-۳- سیاست تجاری

پاکستان به‌رغم مشکلات اقتصادی و سیاسی، گام‌هایی را برای آزادسازی رژیم تجاری و سرمایه‌گذاری برداشته است، این اصلاحات به شکل انفرادی یا در قالب همکاری با سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صورت پذیرفته است. به‌ویژه تلاش‌های دو سال اخیر باعث شده پاکستان به کشوری بازتر و بازاری امن‌تر برای شرکای تجاری‌اش تبدیل شود. سیاست تجاری کلی این کشور بر مبنای چند جانبه‌گرایی و عدم تبعیض استوار است، که در نتیجه باعث شده درگیری این کشور در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و منطقه‌ای بسیار محدود باشد. این مشارکت‌ها در همکاری منطقه‌ای کشورهای جنوب آسیا و موافقتنامه تجارت ترجیحی آن و سازمان همکاری اقتصادی محدود شده است.

در حال حاضر تعرفه، اصلی‌ترین ابزار سیاست تجاری پاکستان محسوب می‌شود که اهمیت نسبی آن در نتیجه اصلاحات اخیر افزایش یافته است. همچنین میزان تعرفه‌ها، با کاهش قابل توجه مواجه شده و از ۵۶ درصد در ۴-۱۹۹۳م به ۲۰/۴ درصد در ۲-۲۰۰۱م رسیده است.

البته باید متذکر شد که هنوز حمایت تعرفه‌ای در این کشور به‌ویژه در مورد اندک زمینه‌های حساس، قابل توجه می‌باشد.

از نقطه نظر بخشی برخی محصولات زراعی مهم (مانند گندم، کتان، برنج و نیشکر) از مهمترین کالاهای مورد توجه دولت در بخش کشاورزی است)، اما دولت حمایت چندانی از دامپروری، ماهیگیری و جنگلداری نمی‌نماید. به‌طور متوسط حمایت تعرفه‌ای این بخش از ۳۸/۸ درصد در ۴-۱۹۹۳م به ۱۴/۹ درصد در ۲-۲۰۰۱م کاهش یافته است.

همچنین حمایت تعرفه‌ای از بخش صنعت در همان دوره از ۴۲/۱ به ۲۰/۹ درصد تنزل یافته است.

۳-۴- میزان ارز

روپیه پاکستان که در سال ۱۹۹۸ معادل ۴۴/۹ برای هر دلار بود، همانند پول رایج سایر کشورهای آسیا با کاهش ارزش مواجه شده و به ۵۹/۷ روپیه برای هر دلار در سال ۲۰۰۲م تنزل یافت. البته در دوره میانی، ارزش پول این کشور با نوسان مواجه شده است. به طوری که پس از افزایش به ۴۹/۱ در سال ۱۹۹۹م، ۵۳/۶ در سال ۲۰۰۰م و ۶۱/۹ در سال ۲۰۰۱م، در سال ۲۰۰۲م با افزایش ارزش اندکی مواجه شده و به ۵۹/۷ روپیه برای هر دلار در سال ۲۰۰۲م رسیده است. هر چند که ارزش آن هنوز کمتر از سال ۲۰۰۰م باقی مانده است.

۳-۵- تجارت ایران و پاکستان

حجم تجارت ایران و پاکستان طی سال ۲۰۰۳، کمتر از ۲۲۰ میلیون دلار بوده و مازاد تجاری حاصله به نفع ایران در این سال برابر ۴۴ میلیون دلار بوده است.

معادل ۳۹ درصد صادرات ایران به این کشور، محصولات کشاورزی بوده که از این مقدار ۹۵ درصد آن را محصولات نباتی تشکیل داده است.

بیش از ۶۰ درصد صادرات ایران به این کشور را محصولات معدنی و صنعتی بوده است. محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن (گروه ۰۶) و محصولات معدنی (گروه ۰۵) به ترتیب با ۲۴ و ۱۲ درصد سهم از صادرات

ایران به پاکستان مهمترین گروه‌های صادراتی این بخش بوده‌اند (جدول ۱). اما از سوی دیگر واردات ایران عمدتاً مربوط به کالاهای بخش کشاورزی بوده که ۸۸ درصد از کل واردات کشور از پاکستان را به خود اختصاص داده‌اند؛ البته بیش از ۹۹ درصد این واردات مربوط به گروه محصولات نباتی بوده است.

واردات ۱۲ درصدی ایران از سایر بخش‌های تولیدی پاکستان عمدتاً مربوط به گروه‌های کالایی خمیر چوب یا سایر موادالیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوای بازیافتی کاغذ و مقوا (گروه ۱۰)، وسایل نقلیه (گروه ۱۷) و مواد نسجی و مصنوعات از این مواد (گروه ۱۱) بوده که به ترتیب ۳۰، ۲۲ و ۲۰ درصد از واردات غیر کشاورزی ایران از پاکستان طی سال ۲۰۰۳ را تشکیل داده‌اند (جدول ۱).

به تفکیک کالایی، نخود رسمی (۰۷۱۳۲۰)، پاراکسیلین (۲۹۰۲۴۳)، پسته (۰۸۰۲۵۰)، پوست دباغی شده (۴۱۰۵۱۲) و اورتواکسیلین (۲۹۰۲۴۱) که به ترتیب ۱۵، ۱۱، ۹، ۷ و ۴ درصد از صادرات به این کشور طی سال ۲۰۰۳م را تشکیل داده‌اند، مهمترین کالاهای صادراتی ایران بوده‌اند.

برنج نیمه سفید شده (۱۰۰۶۳۰) به‌عنوان مهمترین کالای وارداتی ایران از پاکستان، ۸۶ درصد کل واردات ایران از این کشور طی سال ۲۰۰۳م را به خود اختصاص داده است.

۴- تعیین تجارت بالقوه ایران و پاکستان

۴-۱- روش شناسی

گسترش همکاری‌های اقتصادی-تجاری بین کشورها نیازمند زمینه‌سازی‌های مختلفی است که یکی از آن‌ها امکان تامین نیازهای هر شریک توسط طرف مقابل است. بنابراین مفهوم درجه تکمیل به‌عنوان ابزاری مناسب برای بررسی وجود ظرفیت در جهت گسترش روابط بین کشورها از اهمیت برخوردار می‌گردد.

درجه اکمال تجاری میزان انطباق صادرات کشور صادرکننده با واردات کشور واردکننده را نشان می‌دهد. بنابراین هنگامی که کالاهای صادراتی یک کشور مشابه کالاهای وارداتی (نیازهای وارداتی) کشور دیگر است، این دو کشور می‌توانند نسبت به توسعه تجارت با یکدیگر اقدام ورزند.

روش‌های برآورد تعیین تجارت بالقوه بین دو کشور، در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند. گروه نخست اندازه عددی تجارت بالقوه بین دو کشور را ارائه می‌دهد و گروه دوم تنها امکان‌پذیری یا عدم امکان‌پذیری گسترش تجارت بالقوه بین دو کشور را معین می‌نماید، بدون آن که نیازی به تعیین میزان عددی ظرفیت بالقوه تجارت بین دو کشور باشد. معیار کسینوس در این گروه جای می‌گیرد و صرفاً درجه اکمال تجاری کشورها با یکدیگر را تعیین می‌نماید.

معیار کسینوس (Cosine)، برای اولین بار در کتاب اقتصاد ریاضی «روی آن» در سال ۱۳۵۲ مطرح گردید. وی درجه اکمال تجاری را براساس کسینوس زاویه دو بردار صادرات و واردات دو کشور اندازه گرفت.

قبل از ارائه فرمول، توضیحات زیر ضروری است: z و k ، به ترتیب مربوط به کشور صادرکننده، کشور واردکننده و گروه کالایی می‌باشند.

X_{ijk} جریان تجارت کالای k از کشور j به کشور i است. اگر تمام واردکننده‌های کالای k از کشور i را با هم در نظر بگیریم، $E_{ik} = \sum_{j=1}^n X_{ijk}$ است که کل صادرات کشور i به جهان می‌باشد و اگر تمام صادرکنندگان کالای k به کشور j را در

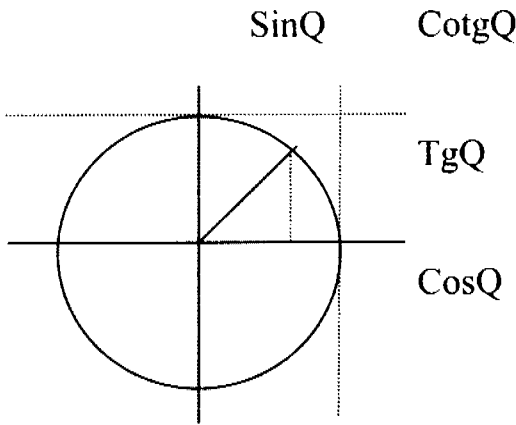
جدول ۱- تجارت ایران و پاکستان طی سال ۲۰۰۳ (هزار دلار)

ارزش واردات ایران از پاکستان		ارزش صادرات ایران به پاکستان	
۲۰۰۳	شرح	۲۰۰۳	شرح
۹۲۱۴۶	کل کالاها	۱۳۶۷۸۳	کل کالاها
۸۰۶۴۷	بخش کشاورزی	۵۳۰۴۷	بخش کشاورزی
.	۰۱	۱۳۶	۰۱
۸۰۳۵۵	۰۲	۵۰۵۲۶	۰۲
.	۰۳	۱۳۰	۰۳
۲۹۲	۰۴	۲۲۵۵	۰۴
۱۱۴۹۹	بخش غیر کشاورزی	۸۳۷۳۶	بخش غیر کشاورزی
.	۰۵	۱۶۳۸۳	۰۵
۶۱۰	۰۶	۳۲۹۵۱	۰۶
۱۹۵	۰۷	۵۳۶۰	۰۷
.	۰۸	۱۲۳۲۳	۰۸
۳۴۷۱	۱۰	۱۸۹	۱۰
۲۳۳۱	۱۱	۸۰۵۰	۱۱
.	۱۲	۱۳۱	۱۲
۷۵۶	۱۳	۱۳۸۸	۱۳
۱۰۰	۱۵	۶۸۶۷	۱۵
۱۰۴۲	۱۶	۷۶	۱۶
۲۵۵۳	۱۷	۱۸	۱۷
۴۴۱	۱۸	.	۱۸
۷۹۱۷۶	۱۰۰۶۳۰	۲۱۰۰۸	۰۷۱۳۲۰
۲۰۶۴	۸۹۰۲۰۰	۱۴۷۳۶	۲۹۰۲۴۳
۱۴۷۵	۴۸۱۹۵۰	۱۱۷۹۸	۰۸۰۲۵۰
۱۴۳۰	۵۳۱۰۱۰	۹۶۳۷	۴۱۰۵۱۲
۱۲۸۹	۴۸۱۱۳۹	۵۳۴۴	۲۹۰۲۴۱

منبع: PC/TAS ۲۰۰۴

صادرات کشور A (برای تمام مقاصد یا جهان) شبیه به ترکیب کالایی واردات کشور Z (از تمام مبادی یا جهان) است. یک زاویه بزرگ نشان می‌دهد که ساختار صادرات کشور A و ساختار واردات کشور Z غیرمشابهند (یعنی قابلیت انطباق ندارند). بزرگی زاویه بین دو بردار کالا به طور متداول برحسب کسینوس اندازه‌گیری می‌شود. ^(۱) به گفته آلن، کسینوس این زاویه به صورت زیر تعریف می‌شود: ^(۲)

نظر بگیریم، $M_{ik} = \sum X_{ik}$ است که بیانگر کل واردات کشور Z از جهان در مورد کالای k می‌باشد. بردار صادرات کشور A ترکیبی از n قلم کالا می‌باشد. $(n=1, 2, \dots, k)$: که با حرف E_i نمایش داده می‌شود. به همین ترتیب M نیز بردار واردات کشور Z با n قلم کالا $(n=1, 2, \dots, k)$: M_{jk} می‌باشد. با تعیین زاویه دو بردار در فضای کالای n بعدی می‌توان این دو بردار را با هم مقایسه نمود. زاویه کوچک نشان می‌دهد که ترکیب کالایی



علاوه بر محاسبه تشابه ساختار صادرات-واردات می توان از این معیار برای اندازه گیری درجه تشابه در ساختار صادرات-صادرات دو کشور نیز استفاده نمود. یعنی تشابه صادرات کشور A و صادرات کشور Z. هر چه تشابه در این مورد بیشتر باشد نشان دهنده این است که دو کشور کالاهای مشابهی را صادر می کنند و در نتیجه ساختار صادراتی رقابتی تری بین دو کشور وجود دارد (به عبارت دیگر مفهوم درجه تکمیل در اینجا کاربرد ندارد، بلکه رقابت مطرح می شود). همین محاسبه می تواند برای الگوهای واردات دو کشور انجام گیرد. در این صورت کسینوس، درجه رقابت را در ساختار صادرات (یا واردات) کشورها نشان خواهد داد.

۲-۴-۲- داده ها

آمار تجارت کالایی (صادرات و واردات) ایران و پاکستان با جهان برای سال ۲۰۰۳ از نرم افزار آماری PC/TAS استخراج گردید (لازم به یادآوری است که به علت این که پاکستان در سال های قبل گزارشگر آمار تجاری خود به ITC نبوده است، فقط سال ۲۰۰۳ مد نظر قرار گرفته است). آمار مزبور در سطح کدهای ۶ رقمی نگارش سال ۲۰۰۲ بوده است.

محاسبه شاخص کسینوس، در سه سطح صورت پذیرفته است. در سطح کل تجارت کالایی دو کشور (سطح نخست)، یعنی شاخص کسینوس برای کدهای کالایی محاسبه شده و مجموع آن برای کل تجارت در نظر گرفته شده است. در سطح گروه کالاهای بخش کشاورزی و غیر کشاورزی (سطح دوم) که در این سطح کالاهای دو بخش کشاورزی و غیر کشاورزی تقسیم شده و برای هر یک شاخص کسینوس محاسبه شده است. (کالاهای بخش کشاورزی کدهای ۱۱۱۰۱ تا ۲۴۰۳۹۹ سیستم HS یعنی قسمت های تعرفه ای ۱ تا ۴ را شامل می شود و کالاهای بخش غیر کشاورزی کدهای ۲۵۱۰۰ تا ۹۷۰۶۰۰ سیستم HS یعنی قسمت های تعرفه ای ۵ تا ۲۱ را در بر می گیرد). در سطح ۲۱ گروه تعرفه ای سیستم HS (سطح سوم) بر اساس قوانین و مقررات سالانه کشور که در واقع در بر دارنده کدهای ذیل می گردد.

۳-۴- تجزیه و تحلیل شاخص محاسبه شده و تعیین میزان اكمال

تجاری ایران با پاکستان

۱-۳-۴- بررسی ظرفیت بالقوه صادرات ایران به پاکستان

کشور پاکستان، کشوری است که صادرات ایران با نیازهای وارداتی

$$\text{Cos}_{ij} = \frac{e_i \cdot m_j}{[e_i][m_j]}$$

$$\text{Cos}_{ij} = \frac{\sum_k E_{ik} M_{jk}}{\sqrt{\sum_k E_{ik}^2 \cdot \sum_k M_{jk}^2}}$$

E_{ik} : صادرات کشور از کالای k به جهان

M_{jk} : واردات کشور از کالای k از جهان (۳)

باتوجه به فرمول، اگر ترکیب کالایی صادرات کشور A با واردات کشور Z یکسان باشد، یعنی دو بردار تنها در یک اسکالر اختلاف داشته باشند:

$$\text{Cos}_{ij} = 1, (e_i = \lambda m_j)$$

خواهد بود.

این حالت نشان دهنده درجه اكمال کامل است، یعنی الگوهای کالایی کشور صادر کننده و وارد کننده دقیقاً شبیه به هم می شود. اگر برای تمام k ها، E_{ik} یا M_{jk} یا هر دو صفر باشد، واضح است که تجارت از A به Z ممکن نیست، یعنی بردارهای e_i و m_j برهم عمودند. بدین ترتیب $\text{Cos}_{ij} = 0$ خواهد بود و هیچ درجه تکمیلی وجود ندارد. بنابراین کسینوس می تواند بین دو ارزش بحرانی صفر و یک قرار بگیرد. این مطالب در شکل (۱) به سهولت قابل مشاهده می باشد. (۴)

اگر فرض کنیم آنچه که تجارت می شود در واقع همان تجارت بالقوه کشورهاست، کسینوس می تواند معیاری برای شدت مورد انتظار تجارت بین دو کشور نامیده شود. معیار تشابه تنها شدت جریان تجارت متقابل مورد انتظار را از کشور صادر کننده A به کشور وارد کننده Z ام بر مبنای الگوهای تجاری موجودشان ارائه می دهد. این معیار درباره تشخیص پتانسیل واقعی چیزی نمی گوید. به عبارت دیگر ممکن است که تجارت دو کشور کاملاً به هم شبیه باشد، در حالی که معلوم نیست که آنها واقعاً با یکدیگر تجارت کرده باشند. به علاوه وقتی که تشابهات مقایسه می شوند، نه دلیل رخ دادن این وضعیت را توضیح می دهند و نه رفتاری را که ممکن است، متقابلاً رخ دهد. (۶)

برای اینکه خواندن و تفسیر این معیار راحت تر باشد، ضریب تشابه را به صورت شاخص در می آوریم. در این صورت ارزش ها در محدوده صفر تا ۱۰۰ قرار گرفته و به صورت درصد بیان می شوند. برای این منظور کافی است که کسینوس های به دست آمده را در عدد صد ضرب نمود.

حیوانات زنده، محصولات حیوانی	قسمت تعرفه‌ای اول
محصولات نباتی	قسمت تعرفه‌ای دوم
چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فرآورده‌های حاصل از تفکیک آنها؛ چربی‌های خوراکی آماده و موم‌های حیوانی یا نباتی	قسمت تعرفه‌ای سوم
محصولات صنایع غذایی؛ نوشابه‌ها؛ آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها؛ توتون و تنباکو و بدل ساخته از آنها	قسمت تعرفه‌ای چهارم
محصولات معدنی	قسمت تعرفه‌ای پنجم
محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن	قسمت تعرفه‌ای ششم
مواد پلاستیکی، کائوچو و اشیاء ساخته شده از آنها	قسمت تعرفه‌ای هفتم
پوست، چرم، پوست‌های نرم و اشیاء ساخته شده از این مواد؛ اشیاء زین و برگ سازی؛ لوازم سفر؛ کیف‌های دستی محفظه‌های همانند؛ اشیاء ساخته شده از روده به استثنای نخ ساخته شده از احشا	قسمت تعرفه‌ای هشتم
کرم ابریشم	
چوب و اشیاء چوبی؛ ذغال چوب و اشیاء چوب پنبه‌ای، مصنوعات حصیربافی یا سببافی	قسمت تعرفه‌ای نهم
خمیر چوب یا سایر موادالیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوای بازیافتی کاغذ و مقوا	قسمت تعرفه‌ای دهم
مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	قسمت تعرفه‌ای یازدهم
کفش، کلاه، چتر، عصا، شلاق، پر، موی انسان و گل آماده و اشیاء ساخته شده از این مواد	قسمت تعرفه‌ای دوازدهم
مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان، پنبه نسوز، میکا یا از مواد همانند؛ محصولات سرامیک؛ شیشه و مصنوعات از شیشه	قسمت تعرفه‌ای سیزدهم
مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گرانبها یا نیمه گرانبها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانبها و اشیاء ساخته شده از این مواد	قسمت تعرفه‌ای چهاردهم
فلزات معمولی و مصنوعات آنها	قسمت تعرفه‌ای پانزدهم
ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، اجزا و قطعات آنها، دستگاههای ضبط و پخش صوت و تصویر تلویزیون و اجزا و قطعات و متفرعات آنها	قسمت تعرفه‌ای شانزدهم
وسایل نقلیه زمینی و هوایی و آبی و تجهیزات ترابری مربوط به آنها	قسمت تعرفه‌ای هفدهم
آلات و دستگاه‌های اپتیک، عکاسی، سینما توگرافی، سنجش، کنترل، دقت سنجی؛ آلات و دستگاه‌های طبی-جراحی؛ اشیاء صنعت ساعت سازی؛ آلات موسیقی؛ اجزا و قطعات و متفرعات آنها	قسمت تعرفه‌ای هجدهم
اسلحه و مهمات، اجزا و قطعات و متفرعات آنها	قسمت تعرفه‌ای نوزدهم
کالاها و مصنوعات گوناگون	قسمت تعرفه‌ای بیستم
اشیاء هنری، اشیاء کلکسیون یا عتیقه	قسمت تعرفه‌ای بیست و یکم

جدول ۲_ شاخص کسینوس برای تعیین امکان‌پذیری توسعه تجارت میان ایران و پاکستان در سطح گروه کالایی طی سال ۲۰۰۳

بخش / گروه کالایی	ظرفیت توسعه صادرات ایران به پاکستان	ظرفیت توسعه واردات ایران از پاکستان
بخش کشاورزی	۰/۰۱۰۵۸	۰/۳۱۸۰۷
بخش غیر کشاورزی	۰/۷۱۳۵۸	۰/۰۹۱۴۶
بخش ۱	۰/۰۴۰۰۲	۰/۰۰۲۱۹
بخش ۲	۰/۰۱۷۵۰	۰/۴۶۲۲۰
بخش ۳	۰/۰۷۳۸۸	۰/۰۰۹۴۰
بخش ۴	۰/۰۵۲۵۳	۰/۰۶۶۶۴
بخش ۵	۰/۷۸۷۹۳	۰/۹۸۴۲۴
بخش ۶	۰/۲۲۸۵۷	۰/۳۷۸۱۰
بخش ۷	۰/۳۴۰۵۸	۰/۲۳۷۴۸
بخش ۸	۰/۶۷۷۳۷	۰/۰۰۷۷۷
بخش ۹	۰/۲۴۴۲۹	۰/۰۵۵۳۱
بخش ۱۰	۰/۲۲۶۹۲	۰/۰۴۸۱۳
بخش ۱۱	۰/۰۰۳۰۷	۰/۰۰۹۳۰
بخش ۱۲	۰/۳۷۵۳۵	۰/۰۵۱۳۷
بخش ۱۳	۰/۴۰۹۶۶	۰/۰۶۳۷۸
بخش ۱۴	۰/۰۰۰۱۸	۰/۰۰۰۴۹
بخش ۱۵	۰/۲۸۲۳۹	۰/۰۵۷۳۶
بخش ۱۶	۰/۲۵۵۸۴	۰/۰۷۹۱۴
بخش ۱۷	۰/۰۹۱۰۹	۰/۶۴۳۶۸
بخش ۱۸	۰/۲۲۰۰۹	۰/۱۷۱۸۳
بخش ۱۹	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵۰۱
بخش ۲۰	۰/۰۶۹۱۷	۰/۱۰۶۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

پتانسیل صادراتی ایران به پاکستان در سال ۲۰۰۳ برای کالاهای بخش غیر کشاورزی بیشتر بوده است. رقم شاخص کسینوس بخش غیر کشاورزی در این سال معادل ۰/۷۱ بوده، مقدار آن برای کالاهای بخش کشاورزی ۰/۰۱ بوده است. محصولات معدنی (شامل نفت)، صنایع پوست و چرم بهترین کالاهایی صادراتی ایران را جهت گسترش تجارت با این کشور دربرمی‌گیرند. در بخش کشاورزی نیز کالاهای موجود در گروه چربی‌ها و روغن‌های حیوانی و نباتی و محصولات صنایع غذایی بیشتر از

این کشور از درجه اکمال بالایی برخوردار است (۰/۶۹). در ادامه، وضعیت اکمال و تشابه تجاری ایران با پاکستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی (کشاورزی و غیر کشاورزی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ضمن آن که در مورد هر بخش گروه‌های کالایی با بیشترین پتانسیل تجاری نیز معرفی می‌گردند.

در جدول (۲)، نتایج محاسبات به تفکیک بخشی و گروه کالایی به‌منظور تعیین ظرفیت صادراتی ایران ارائه شده است.

سایر گروه‌ها می‌توانند در توسعه تجارت ایران با این کشور مدنظر قرار گیرند.

۳-۲-۴- بررسی ظرفیت بالقوه واردات ایران از پاکستان

اکمال تجاری وارداتی ایران از پاکستان در سال ۲۰۰۳، در سطح پایینی قرار دارد، مقدار این شاخص ۰/۱۲ است. در ادامه، وضعیت اکمال تجاری واردات ایران از پاکستان در سطوح بخشی و گروه کالایی ارائه می‌گردد. در حین این بررسی، گروه‌های کالایی با بیشترین پتانسیل صادراتی پاکستان به ایران نیز معرفی می‌گردند (جدول ۲).

نتایج محاسبات نشان می‌دهد که شاخص کسینوس واردات ایران از پاکستان برای سال ۲۰۰۳ برای بخش کشاورزی بیشتر از بخش غیر کشاورزی است هر چند مقدار عددی این شاخص برای هر دو بخش کمتر از نیم است.

۵- جمع بندی

هدف این مقاله، کسب شناختی اجمالی از اوضاع داخلی کشور پاکستان به ویژه به لحاظ اقتصادی-تجاری و تعیین ظرفیت‌های توسعه تجاری آن با ایران بوده است. در این راستا، ابتدا ساختار اقتصادی این کشور به طور اجمالی مورد ارزیابی قرار گرفت تا نشانه‌های عدم توسعه یافتگی و نیز روند تحولات اقتصادی به اختصار معلوم گردد. سپس وضعیت بخش خارجی اقتصاد این کشور مورد بررسی اجمالی قرار گرفت. در این قسمت کالاهای عمده تجاری (صادراتی-وارداتی) این کشور و شرکای عمده طرف تجاری به انضمام گذری بر سیاست تجاری و تحولات میزان ارز پاکستان ارائه شده است.

در گامی دیگر، اقدام به بررسی روند تجارت میان ایران و پاکستان نمودیم تا مشخص شود جهت گیری روابط تجاری دوطرف طی سال ۲۰۰۳ چگونه بوده است. بررسی‌ها نشانگر آن است که حجم کل تجارت دو کشور در سال مزبور کمتر از ۲۳۰ میلیون دلار (معادل مجموع صادرات و واردات طرفین در سال ۲۰۰۳) با مازاد تجاری به نفع ایران بوده است. همچنین صادرات ایران به پاکستان، بر صدور محصولات نباتی (گروه ۰۲) متمرکز بوده است. عمده واردات ایران از این کشور نیز از همین گروه بوده است؛ البته با این تفاوت که این گروه حدود ۳۷ درصد از کل صادرات ایران به این کشور را تشکیل می‌دهد، لیکن واردات ایران از این گروه معادل ۸۷ درصد کل واردات از پاکستان بوده است.

اما آیا ظرفیت تجاری دو کشور حداکثر در حد ۲۳۰ میلیون دلار محدود بوده و صرفاً امکان مبادله در محصولات نباتی بین دوطرف وجود دارد؟ یا آن که امکان افزایش وجود دارد؛ اگر این گونه است، کدام گروه‌های کالایی در اولویت قرار دارند؟

نتایج نشانگر آن است که بیشترین امکان توسعه صادرات ایران به پاکستان در مورد محصولات معدنی (گروه ۵)، پوست، چرم و اشیاء ساخته شده از این مواد (گروه ۸) و مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان (گروه ۱۳) وجود داشته و لازم است صادرات ایران در این اقلام مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به عبارت دیگر، صادرات ایران با نیازهای وارداتی این کشور از درجه اکمال بالا برخوردار بوده و مقدار آن در سال ۲۰۰۳ به ترتیب به میزان ۰/۷۹،

۰/۶۸ و ۰/۴۱ بوده است.

در طرف مقابل نیز گروه‌های کالایی محصولات معدنی (گروه ۵)، وسایل نقلیه و تجهیزات ترابری مربوطه (گروه ۱۷) و محصولات نباتی (گروه ۲) از بالاترین پتانسیل جهت تامین نیازهای وارداتی ایران از پاکستان برخوردار است. مقدار شاخص اکمال تجاری در مورد این گروه‌ها به ترتیب معادل ۰/۹۸، ۰/۶۴ و ۰/۴۶ بوده است.

پی نوشت ها:

1. Linnemann. Op. cit, p.445.
2. Allen, Roy. G.D. "Mathematical Economics", (London, 1970), p.381.
۳. توضیحات بیشتر در قسمت اثبات ریاضی این فرمول ارائه شده است.
۴. اولین بار لاینمن این فرمول را در سال ۱۹۶۶ برای برآورد تشابه تجاری به کار برده است.
۵. جین اوپر، تحلیل‌های ریاضی و کاربرد آن در اقتصاد و بازرگانی، ترجمه پور کاظمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳.
6. Phanchamuch i. Op. cit. p. 19.

منابع:

۱. جین اوپر، تحلی‌های ریاضی و کاربرد آن در اقتصاد و بازرگانی، ترجمه پور کاظمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
2. Aire Vernon. Et al (1996). The Potential for Trade between ... The world Economy. Vol, 19.
3. Allen, Roy. G.D (1970). "Mathematical Economics". London. p.381.
4. B. L. Sharma, Preferences Similarity Hypothesis, The Indian Economic Journal, Jan.-Mar. 1984, pp. 79-96.
5. Central Intelligence Agency, The World Factbook, www.cia.gov.
6. Finger and Kreinin (1988). "Measure of Export-Import Similarity and its Possible Uses". [Welterwirtschaftliches. 124, (3)], p. 905.
7. International Monetary Fund, Country Information, ww.imf.org.
8. International Trade Center, Country Information, www.intracen.org.
9. International Trade Center(2004). PC/TAS.
10. Kellman and Schroder (1983). The Export Similarity, Economic Journal. 93 (369), p. 193.
11. Kennedy and Mchugan (1983). Taste Similarity and Intensity. [Welterwirtschaftliches Archive. 119(1)], p.84.
12. Sir Roy. GD. Allen (1970). Mathematical Economics. 6th edition. London. pp. 380-382.
13. United Nations Commision For Trade And Development, World Investment Report, www.unctad.org.
14. World Bank, Country Brief, www.worldbank.org.
15. World Trade Organization, Trade Policy Review, www.wto.org.